

اهم استراتژی‌های نیل به جامعه آرمانی از دیدگاه امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه

داود بیغمی* / محمدحسین صائینی** / حسین مرادی زنجانی*** / فرهاد ادیسی****

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۰۳

چکیده

اسلام برای سعادت دنیوی و اخروی بشر، هدف بعثت انبیاء را در تشکیل جامعه آرمانی می‌داند که مبتنی بر اصول و قواعد الهی باشد. یکی از اهداف والای حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، تشکیل حکومت الهی و به تبع آن ایجاد چنین جامعه‌ای تلقی می‌شود. این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی، در پی پاسخ‌گویی به این سؤال اساسی است که از منظر نهج البلاغه، جامعه آرمانی چه ویژگی‌هایی دارد؟ و حضرت علی (علیه السلام) چه استراتژی‌هایی را برای نیل به این جامعه بیان می‌دارند؟ برنامه‌ریزی بر اساس استراتژی‌های تعیینی ائمه معصومین (علیهم السلام)، اصلاحات همه‌جانبه، شفافیت امور و پاسخگویی و در نتیجه برقراری عدالت اجتماعی در همه ابعاد آن، ضرورت رابطه مستقیم ولایت با جامعه، توجه و اهتمام توأمان به ابعاد معنوی و مادی در جامعه، جاری شدن و حاکمیت قرآن و لزوم مردم‌سالاری و دموکراسی دینی از یافته‌های این پژوهش به شمار می‌رود. در مجموع می‌توان گفت نیل به جامعه آرمانی با چنگ زدن به ریسمان الهی و به کارگیری دستورات و استراتژی‌های پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصومین (علیهم السلام) به دست می‌آید.

واژگان کلیدی

جامعه آرمانی، تقوی، نهج البلاغه، استراتژی، عدالت اجتماعی.

*. دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان. davoodb1414@yahoo.com

** . استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان (نویسنده مسئول). mhsaieni@gmail.com

*** . استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان. info@nasayehpu.ir

**** . استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان. nastuh49@yahoo.com



۱. مقدمه

واژه «جامعه» (society)، مؤنث الجامع، علاقه و وابستگی، غل و گفته شده علت نام‌گذاری این است که دست‌ها را با گردن جمع می‌کند، یکی از اسفار کتاب مقدس، دانشگاه، گروه، دسته، سازمان (معلوف، ۱۳۸۶، ص. ۵۹۰) واژه «جامعه» در لغت به معنای گردآمدن، فراهم آمدن، نزدیکی جسمی به جسم دیگر یا چندین جسم به همدیگر و سازگار کردن است (ر.ک؛ دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۷۳۹۸) و در اصطلاح به معنای گروهی از انسان‌هاست که در سرزمینی ساکن‌اند و حکومتی واحد دارند (رجبی، ۱۳۸۷، ص ۳۴).

جامعه آرمانی جامعه‌ای است که در این جامعه، هدف، رشد و تکامل نوع انسانی است تا افراد هر چه بهتر زندگی کنند، به نحو احسن به حقوق حقه و طبیعی خود دست یابند و از مواهب طبیعت که خداوند در اختیار بشر گذارده، به گونه شایسته و بایسته بهره‌مند گردند. (معرفت، محمدهادی، ۱۳۷۸، ص ۱۲)

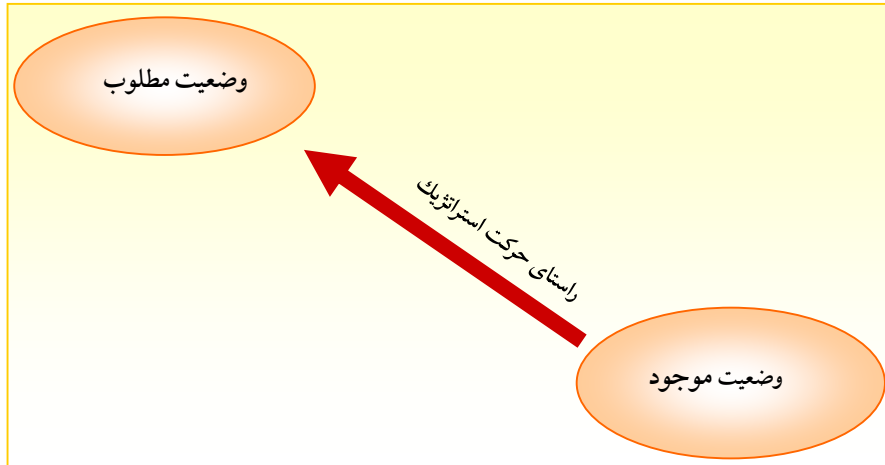
۱.۱. بیان مسئله

نیل به جامعه آرمانی، یکی از آرزوهای دیرینه بشری بوده و در طول تاریخ بشریت تلاش‌های فراوانی برای رسیدن به چنین جامعه‌ای صورت پذیرفته است. تعابیر دیگر جامعه آرمانی، مدینه فاضله، آرمان‌شهر، شهر نیکان و... است که همه یک حقیقت والا و مقدس‌اند. در جامعه آرمانی، ولایت الهی حکمرماست و این چنین جامعه‌ای، دائماً در حال رشد و شکوفایی است. در جامعه آرمانی عدالت و تقوای الهی ملاک بوده و رعایت کرامت انسان‌ها الزامی است، در چنین جامعه‌ای مردم به ولایت الهی و اطاعت از فرامین او پایبند می‌باشند.

مقاله حاضر به تبیین و تحلیل اهم استراتژی‌های نیل به جامعه آرمانی از دیدگاه نهج البلاغه می‌پردازد عبارتی در این پژوهش برآنیم که به این سوال بنیادی پاسخ دهیم که جامعه آرمانی از منظر نهج البلاغه، چه ویژگی‌هایی دارد؟ و حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) چه استراتژی‌هایی را برای نیل به جامعه آرمانی بیان می‌دارد؟

جامعه آرمانی به معنای واقعی کلمه را می‌بایستی در فرمایشات مولی‌الموحدين حضرت علی (علیه السلام) جستجو نمود. در این پژوهش، اهم استراتژی‌های نیل به جامعه آرمانی و یا به عبارتی شاخصه‌های چنین جامعه‌ای از دیدگاه نهج البلاغه احصاء و مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. برای دستیابی به این امر ضرورت دارد به تعریف استراتژی بپردازیم.

استراتژی (strategy): راه و روشی برای حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب



۲.۱. پیشینه پژوهش

صدها پژوهش پیرامون جامعه و نهج البلاغه صورت پذیرفته است اما پژوهش‌های محدودی پیرامون «جامعه آرمانی» انجام شده که هرکدام ابعادی از این موضوع سترگ اجتماعی را باز نموده‌اند. تعدادی از کتب و مقالات مشابه با موضوع اهم استراتژی‌های نیل به جامعه آرمانی از دیدگاه امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه به شرح ذیل است.

کتاب «جامعه آرمانی از دیدگاه امام علی (علیه السلام)» (۱۳۹۱) از فاطمه کاظمی که نویسنده در این کتاب رسیدن به کمال که همان قرب الی الله است را هدف حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) از ایجاد جامعه آرمانی بیان می‌دارد. نویسنده عدالت‌محوری، حق‌محوری، آزادی توأم با مسئولیت، وحدت حول محور الهی و مشارکت مردمی را جزء ویژگی‌های جامعه آرمانی می‌داند. در این کتاب از جمله راهبردهای رسیدن به جامعه آرمانی از دیدگاه حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) راه قرآن کریم، سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، سنت ائمه معصومین (علیهم السلام) و عقل دانسته که با تمسک جستن به آنها انسان و جامعه می‌تواند به سعادت و رستگاری برسد و نهایتاً به بیان راهکارها و موانع رسیدن به جامعه آرمانی پرداخته است.

مقاله «جامعه مطلوب از دیدگاه امام علی (علیه السلام)» (۱۳۸۴) از مزگان قادرزاده که نویسنده، هدف اصلی مقاله را بررسی عمده‌ترین عوامل مؤثر در ایجاد جامعه مطلوب از دیدگاه امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه برمی‌شمرد. در این مقاله به بیان اوصاف و ویژگی‌های افراد چنین جامعه‌ای و

نقش هرکدام از این اوصاف در ایجاد آن و نیز وظایف مردم و زمامداران به‌عنوان ارکان اصلی جامعه، به‌ویژه وظایف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اخلاقی می‌باشد.

مقاله «آرمان‌های حکومت از دیدگاه امام علی (علیه السلام)» (۱۳۷۹) از بهرام اخوان کاظمی که نویسنده به آرمانها و اهداف عالیه حکومت از دیدگاه جزءنگر می‌پردازد. هرکدام از مقالات فوق‌الذکر از منظری به توصیف جامعه آرمانی پرداخته‌اند. آنچه که مقاله حاضر را از سایر مقالات مورد اشاره متمایز می‌سازد شاخصه محور بودن و سیر بر اساس استراتژی‌های حضرت علی (علیه السلام) است. در نتیجه، این جستار، به‌زعم نگارندگان، موضوعی بکر و تازه بوده و به نتایج جالب‌توجهی پیرامون اهم استراتژی‌های نیل به جامعه آرمانی از منظر نهج‌البلاغه و دیدگاه علی (علیه السلام) و شاخصه‌های جامعه آرمانی رسیده است.

۳.۱. ضرورت و اهمیت پژوهش

پژوهش در زمینه جامعه آرمانی اهمیت بسزایی دارد چراکه رشد همه‌جانبه انسان خصوصاً در کمالات و مسائل معنوی در سایه مدینه فاضله و جامعه‌ای سالم حاصل می‌شود و کتب بسیاری در این زمینه علما و بزرگان شیعه نگاشته‌اند.

انسان موجودی اجتماعی است چراکه زندگی او به شیوه‌های متعدد و پیچیده با دیگر انسان‌ها و جامعه پیوند می‌خورد که این موضوع در جامعه اسلامی و آرمانی نمود بیشتری خواهد داشت. آیه الله جوادی آملی در این خصوص می‌فرماید: «بی‌تردید، انسان نیازمند زندگی گروهی و حیات اجتماعی است؛ چون اجتماعی بودن لازمه حیات اوست. ممکن است کسی در دیر یا صومعه‌ای زندگی انفرادی داشته باشد؛ اما چنین زیستی برای وی زندگی انسانی؛ یعنی حیات مسئولانه نخواهد بود.» (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۲۴)

نیل به جامعه آرمانی و اسلامی، تنها با تشکیل حکومت اسلامی و رعایت دستورات قرآن و قوانین دین و عمل به سیره رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و حضرات معصومین (علیهم السلام) حاصل می‌شود و ضرورت آن را می‌توان از ادله قرآنی، روایی و عقلی استنتاج نمود.

آنچه که جامعه آرمانی را از سایر جوامع متمایز می‌سازد دو مؤلفه جهان‌بینی و ایدئولوژی است. جهان‌بینی امام علی (علیه السلام) به‌گونه‌ای است که دنیا را در برابر جهان آخرت و سرای باقی همچون خانه‌ای محقر و مجازی می‌بیند و خود را ملزم می‌داند که باید از این گذرگاه سپنجی گذر کرد چراکه

هدف تهیه زاد و توشه آخرت است برای قرارگاه دائمی خویش و دل به جهان نیستن تا مرگ را آسان پذیرفتن. (رزمجو، ۱۳۶۹، ص ۳۲۲)

بر اساس جهان‌بینی اسلامی، معنویت و قرب الهی و رفاه عمومی، هدف نظام اجتماعی اسلام و جامعه آرمانی است.

جامعه اسلامی درحقیقت کارخانه انسان‌سازی است و رشد و بالندگی انسان در جامعه اسلامی اتفاق می‌افتد. مقام معظم رهبری با تاسی از سیره علی (علیه السلام) در این خصوص می‌فرماید: جامعه و نظام اسلامی درحقیقت پرورش‌دهنده انسان می‌باشد به عبارت دیگر جامعه اسلامی، کارخانه انسان‌سازی بوده و ساختارش به گونه‌ای است که خروجی این کارخانه انسان است و پیامبران الهی نیز با تشکیل نظام اسلامی درصدد تشکیل جامعه اسلامی بودند؛ بنابراین برای رشد همه‌جانبه انسانی وابسته به جامعه اسلامی خواهد بود. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۴۰۹)

۲. مراحل اجرای استراتژی برای نیل به جامعه آرمانی

۲-۱. شناخت وضعیت موجود (شناسایی نقاط قوت و ضعف جامعه، فرصت‌ها و تهدیدها)

۲-۲. تبیین وضعیت مطلوب (ارائه ویژگی‌هایی جامعه آرمانی)

۲-۳. تحریر بیانیه مأموریت (بر اساس نهج البلاغه)

۲-۴. استخراج راهبردها و سیاست‌ها (شاخص‌های حکومت‌داری حضرت علی (علیه السلام) در

نهج البلاغه)

۲-۵. استخراج برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت

۲-۶. تدوین عناوین برنامه‌ها، طرح‌ها (جهت اجرا)

۲-۷. ارائه شاخص‌های فعالیت برای ارزیابی نتایج اجرا (اقدام و عمل)

۲-۱. شناخت وضعیت موجود (جامعه کنونی)

وضعیت جامعه‌ای که حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) با اصرار مردم زعامت و رهبری آن را عهده‌دار شدند تا به جامعه آرمانی تبدیل نماید دارای ویژگی‌های ذیل بود:

ارزش‌های الهی و فرهنگ ناب محمدی جاری نمی‌شد به عبارتی برای بقای حاکمیت موجود ارزش‌ها را تغییر داده بودند و تا جایی که ممکن بود مردم را از سنت نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) دور کرده بودند و انحرافات اساسی در جامعه به وجود آورده بودند.



کنار گذاشتن اهل بیت و خاندان وحی (علیهم السلام) موجب شد که مسلمانان برای شناخت ارزش‌ها و آموزش دین و احکام الهی به سراغ ابوهیره‌ها، ابن هیثم‌ها و امثال آنها بروند و آنها را گروه مرجع خود قرار دهند و به جای حلقه زدن در اطراف وجود نورانی حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و فرزندانشان و بهره‌گیری از کوثر زلال معرفت، سر به آستان نامحرمان و ناهلان سر بسایند و رسم زندگی آموخته و به کمال بچوبند. (مریجی، ۱۳۸۶، ص ۴۳) جلوگیری از نشر سنت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در جامعه و ترویج شعر، قصه‌گویی، ترویج علوم اهل کتاب، جعل حدیث، نابرابری اجتماعی یا سیاست تبعیضی، اوج دنیاگرایی، تغییرات فرهنگی، حذف نیروهای ارزشی، بدعت‌های ایجاد شده، کارگزاران فاسق و ناشایست و نالایق (حکم ابن ابی العاص، حارث بن حکم، ولید بن عقبه بن ابی محیط و ...)

۲-۲. تبیین وضعیت مطلوب (جامعه آرمانی)

جامعه آرمانی جامعه‌ای است، تحت ولایت الهی که هدف آن رشد معنوی و مادی بشر است. توقف و بازایستادن در چنین جامعه‌ای معنی نداشته و کرامت انسان‌ها رعایت می‌شود، مردم به ولایت الهی و اطاعت از فرامین او تن می‌دهند و عدالت و تقوای الهی را در تمام شئون آن به پا می‌دارند. در چنین جامعه‌ای، قرآن حکم‌فرما است.

در جامعه آرمانی از همه مواهب و نعمت‌های الهی به درستی و برای رشد فضائل و کمال نهایی بشر استفاده می‌شود به خصوص رشد اجتماعی مطلوب.

غایت جامعه آرمانی، برقراری قسط و عدل و برادری و برابری است و این حاصل نمی‌شود مگر باتربیت و تهذیب افراد این جامعه؛ لذا انگیزه اصلی جامعه آرمانی، تربیت و تهذیب جامعه بشری است. در جامعه آرمانی ضوابط حاکم بوده و روابط در آن جایگاهی ندارد. در چنین جامعه‌ای مقام خلیفه الهی انسان و کرامت انسان حفظ شده و ملاک ارزش‌گذاری انسان‌ها تقوی می‌باشد. جامعه آرمانی همانند آیینه، تصویر سیمای خدا را در خود منعکس می‌نماید و مظهر قدرت، دانش، عدالت، زیبایی، لطف و خلاقیت الهی باشد. جامعه طراز قرآن جامعه‌ای است که رویه‌ها، روش‌ها، آیین‌نامه‌ها و دستورات زندگی را از متن قرآن و سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله) استخراج می‌کند و در هر زمان و در هر شرایط برای روزگار نو حرف تازه دارد جامعه استوار بر مردم‌سالاری و مسئولیت اجتماعی و جهانی انسان مسلمان در برابر خدا و خود و مردم. (زورق، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۹۱)

کشور اسلامی یعنی کشوری که اسلام حیات‌بخش، اسلام نشاط‌آور، اسلام تحرک‌آفرین، اسلام بدون کج‌اندیشی و تحجر و انحراف، اسلام بدون التقاط، اسلام شجاعت‌بخش به انسان‌ها و اسلام

هدایت‌کننده انسان‌ها به سوی علم و دانش بر آن حاکم است. سیطره و تسلط علمی به دنبال خود عزت سیاسی هم می‌آورد. رفاه اقتصادی هم اخلاقی هم می‌آورد اگر کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی شود. (مطهری، ۱۳۹۵، ص ۴۱)

شکل ۲. ویژگی‌های جامعه آرمانی



نقدپذیری، دفاع از حقوق مردم، مدارا و نرمش، انتخاب کارگزاران بر اساس شایستگی و....

۳-۲. تحریر بیانیه مأموریت (Mission Statement) (حکومت علوی)

با تأمل و بررسی خطبه‌ها و اوامر، نامه‌ها و رسائل و کلمات حکمت‌آمیز و مواظب مندرج در نهج البلاغه، می‌توان بیانیه مأموریت حکومت علوی (علیه السلام) را بدین صورت ترسیم نمود:

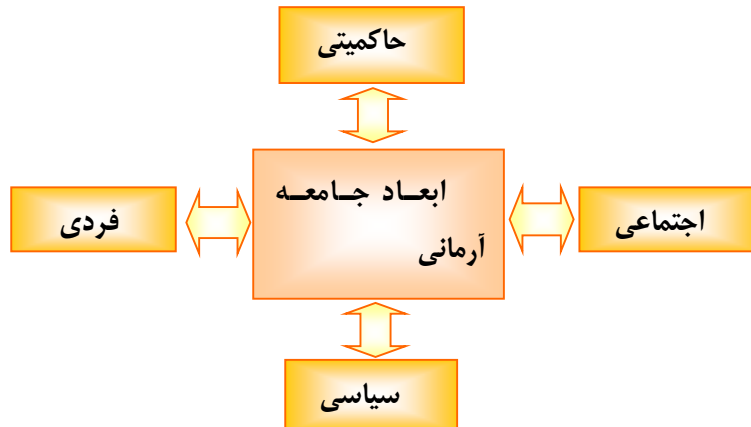
حکومت علوی، در سایه مدیریت و زعامت مولای متقیان حضرت علی (علیه السلام) به‌عنوان الگوی بی‌بدیل مدیریت اسلامی، درصدد برقراری و ارتقاء امنیت و آسایش، اقامه حق و دفع باطل، ایجاد آبادانی و رفاه، انجام اصلاحات و برقراری قسط و عدل و آشنا نمودن مردم با معارف الهی و تربیت آنها و برپایی

مردم‌سالاری دینی بود تا زمینه‌های لازم برای رشد و پویایی و عزت و سربلندی جامعه اسلامی جهت نیل به سعادت و رستگاری امت اسلام و رسیدن به مقام خلیفه الهی فراهم شود.

۴-۲. استخراج راهبردها و سیاست‌ها (راه و روش‌های نیل به جامعه آرمانی)

نقشه راه و استراتژی، راهبردها و سیاست‌های نیل به جامعه آرمانی (استراتژی‌های حاکمیتی، سیاسی، اجتماعی و فردی) توسط حضرت علی (علیه السلام) در نهج البلاغه ترسیم شده است که به پاره‌ای از این استراتژی‌ها و ابعاد جامعه آرمانی پرداخته خواهد شد.

شکل ۳. ابعاد جامعه آرمانی



۱. استراتژی‌های حاکمیتی:

تعدادی از استراتژی‌های حاکمیتی و یا بهتر بگوییم بایدها و نبایدهای حاکم اسلامی از دیدگاه امام علی (علیه السلام) عبارت‌اند از:

الف: نبایدها: نباید بر ناموس و جان مردم و غنائم و احکام مسلمین، فرد بخیل ولایت یابد و امامت مسلمین را عهده‌دار شود. جاهل و ناگاه نیز لیاقت رهبری ندارد که با جهل خود مسلمین را به گمراهی می‌کشاند و ستمکار هم نمی‌تواند رهبر باشد که با ظلم و ستم حقوق مردم را غصب می‌کند و نه کسی که در امر بیت‌المال عدالت ندارد زیرا در اموال آنها حیف و میل می‌کند و گروهی را بر گروهی مقدم می‌دارد حاکم نباید رشوه خوار باشد تا حقوق مردم را ضایع کند و حق را به حق‌دار نرساند و آن کس که سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را ضایع می‌کند لیاقت رهبری ندارد زیرا او امت را به هلاکت می‌کشاند (خطبه ۱۳۱)

ب: بایدها: بلکه کسی شایستگی زمامداری جامعه اسلامی را دارد که به مردم راست بگوید، راه خرد ببیماید، اهل آخرت باشد (خطبه ۱۵۴) حاکم اسلامی می‌باستی حافظ بیت‌المال بوده و عدالت‌گرا باشد.

از دیدگاه حضرت علی (علیه السلام) دوری از معصیت‌ها و عمل به طاعات جزو شاخصه‌های حاکم اسلامی بوده و در این خصوص می‌فرمایند: ای مردم سوگند به خدا من شما را به هیچ طاعتی امروز نمی‌کنم مگر آن که پیش از شما خود عمل کرده‌ام و از هیچ گناهی شما را من نهی نکردم جز آنکه پیش از شما آن را ترک گفتم (خطبه ۱۷۵)

حضرت در نامه ۵۳ با عنوان عهدنامه مالک‌اشتر، ویژگی‌های حاکم اسلامی را به طور مفصل بیان می‌دارد از آن جمله: لزوم خودسازی و آراسته شدن به تقوی الهی و مقدم داشتن طاعت خداوند بر هر چیزی، قراردادن قلب خود به عنوان کانون لطف و رحمت بر مردم، پرهیز از غرور و خودبزرگ‌بینی، تلاش برای جلب رضایت عمومی و مقدم داشتن رضایت عمومی بر رضایت خواص پرتوقع، دور نمودن اطرافیان متملق و عیب‌جو از حریم حکومت، مشورت نمودن با افراد بخیل و تنگ نظر، ارتباط حسنه و پیوند با پرهیزکاران و راست‌گویان و عادت دادن آنها به عدم زیاده‌روی و تملق در مدح تو، کاهش فشار مالی بر مردم، عمل به آداب پسندیده‌ای که موجب اصلاح مردم شود و از آدابی که به سنت‌های خوب زیان وارد می‌سازد برحذر باشد، حشرونشر و گفتگوی زیاد با دانشمندان و مباحثه با حکیمان (نامه ۵۳)

مردم‌سالاری یا دموکراسی^۱ دینی:

دموکراسی بمعنای حکومت و فرمانروایی مردم و یا به عبارتی بهتر حکومت مردم بر مردم است. از دیدگاه نهج‌البلاغه اصول و مبانی مردم‌سالاری، قانون محوری، مشارکت و برابری و آزادی مردم می‌باشد. حکومت‌های بسیاری در طول تاریخ و در دنیای امروزی مدعی حکومت دموکراسی هستند اما به علت عدم شفافیت و پاسخگویی حکومت‌ها، صوری و ظاهری بودن مشارکت مردم و آزادی و برابری مردم در مقابل قانون، دموکراسی و مردم‌سالاری واقعی تحقق نمی‌یابد. ویژگی اصلی نظام مردم‌سالاری، دینی بودن آن است و مردم‌سالاری مورد تاکید نهج‌البلاغه، مردم‌سالاری دینی می‌باشد. در نظام مردم‌سالاری دینی، حاکمیت از آن خدا بوده اما اداره حکومت به دست مردم می‌باشد و این امر از مهم‌ترین تفاوت‌های دموکراسی دینی با دموکراسی غربی می‌باشد. از دیدگاه امام علی (علیه السلام)، همه مردم

1. Democracy



در مقابل قانون یکسان هستند و حزب و گروه و لباس و ثروت و... عامل تبعیض و برتری نمی‌باشد. (محمودی، ۱۳۷۹، ص ۶۰-۷۲) این استراتژی امام علی (علیه السلام) موجب شد که اشراف و بزرگان و قبائل از امام علی (علیه السلام) فاصله گرفته و از اطراف امام پراکنده گردند. از منظر امام علی (علیه السلام) دست‌اندرکاران و نخبگان نیز نباید خود را برتر از مردم بدانند حضرت در این خصوص خطاب به مالک‌اشتر نخعی می‌فرماید:

«وَأَيُّكَ وَالْإِسْتِنَاءَ بِمَا النَّاسُ فِيهِ أُسْوَةٌ.»

و از مقدم داشتن خود در اموری که مردم در آن مساویند بپرهیز. (نامه ۵۳)

در منشور حکومتی امام علی (علیه السلام) فرد خطاکار در هر پست و مقامی می‌بایستی عقوبت خطای خویش را ببیند و این امر هیچ استثنای ندارد حتی در خصوص امام حسن و امام حسین (علیه السلام). امام علی (علیه السلام) در این خصوص می‌فرماید:

«فَاتَّقِ اللَّهَ، وَارْزُقْ إِلَى هَوْلَاءِ الْقَوْمِ أَمْوَالَهُمْ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ لَمْ تُمَكِّنِي اللَّهُ مِنْكَ لِأَعْدِيٍّ إِلَى اللَّهِ فِيكَ، وَلَا ضَرِيئِكَ بِسَيِّئِي... وَوَاللَّهِ لَوْ أَنَّ الْحُسَيْنَ وَالْحُسَيْنَ فَعَلَا مِثْلَ الَّذِي فَعَلْتَ، مَا كَانَتْ لَهُمَا عِنْدِي هَوَادَةٌ.»

از خدا پروا کن، به این قوم اموالشان را برگردان، اگر برگردانی آن گاه خداوند به من قدرت دست یابی به تو را بدهد چنانکه عقوبت کنم که عذرخواهم نزد حق باشد، و با شمشیرم گردنت را بزنم.... به خدا قسم اگر حسن و حسینم آنچه را تو انجام دادی انجام می‌دادند، از من نرمشی نمی‌دیدند. (نامه ۴۱)

۲. استراتژی‌های سیاسی:

برکناری و تصفیه کارگزاران فاسد: معیار اصلی حضرت در عزل و نصب‌های کارگزاران حکومت، دین و دین‌داری بود؛ و دین‌گرایی و رعایت ارزش‌های دینی، از شاخصه‌های حکومت علوی بود. اصلاح فسادهای سیاسی مقدم بر فتوحات و تسخیر اراضی: حضرت علی (علیه السلام) در طول امامت خویش، دست از ادامه فتوحات برداشته و در اجرای سیاست ذکر شده می‌کوشید. حضرت (علیه السلام) در پیشنهاد کنار آمدن با معاویه و معاویه صفتان می‌فرماید: «ما وجدنا الا قتال القوم او الكفر بما جا به محمد» من راهی جز یکی از این دو جنگ با این قوم و یا کفر به رسالت محمد صلی... ندارم. (حداد پور جهرمی، ۱۳۹۶، ص ۹۳)

هدف وسیله را توجیه نمی‌کند:

در مکتب علی (علیه السلام)، هدف وسیله را توجیه نمی‌کند و رسیدن به هدف با هر وسیله‌ای را مجاز نمی‌داند گرچه هدف مقدس باشد. درحالی‌که معاویه، از هر ابزار مشروع و نامشروعی برای رسیدن به اهداف و مقاصد شیطانی خویش استفاده می‌نمود. این امر در سیره ایشان در جنگ صفین کاملاً مشهود است. هنگامی‌که لشکریان آن حضرت به آب رودخانه مسلط شدند، عده‌ای از لشکریان ایشان خواستار بستن آب روی معاویه و لشکریان وی شدند که امام (علیه السلام) این امر را به این دلیل که از حدود الهی بیرون است، نپذیرفتند هرچند با این وسیله می‌توانستند معاویه را تحت فشار گذارند و یا حتی او را به تسلیم وادار سازند.

اگر امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌خواست عدالت را رعایت نکند، اگر می‌خواست ملاحظه‌کاری بکند، اگر می‌خواست شأن و مقام و شخصیت خودش را در مسئله دنیای اسلام ترجیح بدهد، موفق‌ترین خلفا می‌شد و قدرتمندترین و هیچ معارضی هم پیدا نمی‌کرد. (محمدیان، ۱۳۹۸، ص ۱۹۳)

رعایت اعتدال (نه افراط و نه تفریط):

یکی از استراتژی‌های مهم امام علی (علیه السلام) این است که حضرت لحظه‌ای از حال کارگزاران خود غافل نبود و در هر فرصتی سفارشات و تذکرات مناسب را به کارگزارانشان را می‌فرمودند. حضرت دارای سیاستی متین و استوار و به‌دور از افراط و تفریط است و این موضوع در رفتار امیرالمؤمنین (علیه السلام) با اشعث بن قیس کاملاً مشهود است. اگر حضرت دارای سیاست افراطی بود در همان مرحله اول، اشعث را از کار برکنار می‌کرد و اگر دارای سیاست تفریطی بود به روش دیگران، خزانه‌های حکومت را باز می‌نمود تا عمالش آن را تاراج نمایند.

۳. استراتژی‌های اجتماعی

انسان موجودی اجتماعی است و با توجه به نیازهای مادی و معنوی‌اش، امکان زندگی منفرد برای او دشوار است. مهم‌ترین بعد شخصیتی آدمی، بعد اجتماعی اوست. تعدادی از استراتژی‌های اجتماعی مولی‌الموحدين علی (علیه السلام) به شرح ذیل می‌باشد.

ولایت‌پذیری



یکی از ملزومات حکومت اسلامی و به تبع آن جامعه آرمانی، اطاعت‌پذیری و ولایت‌پذیری از حاکم جامعه اسلامی که همانا امام معصوم علیه السلام می‌باشد است. حضرت علی علیه السلام در این خصوص و ضرورت پیروی از امامان معصوم علیهم السلام می‌فرماید:

«فَاسْتَجِيبُوا لِلدَّاعِي وَاتَّبِعُوا الرَّاعِي. قَدْ خَاصُوا بِحَارِ الْفَنِّ وَأَخَذُوا بِالْبَدْعِ دُونَ الشُّنَنِ... فَيَهْمُ كَرَامَتِ الْقُرْآنِ وَهُمْ كُنُوزُ الرَّحْمَنِ، إِنْ نَطَقُوا صِدْقًا وَإِنْ صَمَتُوا لَمْ يُسَبِّحُوا، فَلْيُصَدِّقْ رَأْيَ أَهْلِهِ وَلْيُحْضِرْ عَقْلَهُ وَيُكِنِّ مِنْ أُنْبَاءِ الْآخِرَةِ، فَإِنَّهُ مِنْهَا قَدِمَ وَإِلَيْهَا يَنْقَلِبُ.»

پس دعوت‌کننده حق را پاسخ دهید و از رهبرتان اطاعت کنید. گروهی در دریای فتنه‌ها فرورفته، بدعت را پذیرفته، و سنت‌های پسندیده را ترک کردند... مردم! درباره اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله آیات کریمه قرآن نازل شد، آنان گنجینه‌های علوم خداوند رحمان‌اند، اگر سخن گویند، راست گویند، و اگر سکوت کنند بر آنان پیشی نجویند. (خطبه ۱۵۴)

انسان موجودی اجتماعی و به‌عنوان خلیفه الهی می‌باشد و راه و مسیر سعادت انسان در تعامل خوب (در مرحله اول با خود و سپس با افراد پیرامونی خود) می‌باشد تا در تعاملات فردی و اجتماعی راه ناصواب را نرود و رفتارش قانونمند باشد و مقامی را که خداوند به او عطا فرموده را قدر بداند و بتواند خود را در آن جایگاه حفظ کند چون مقام خلیفه الهی فقط به انسان داده شده است و لازمه رشد اجتماعی و شخصیتی انسان و شکل‌گیری شجره طیبه، ولایت است. کسی که ولایت‌پذیر نباشد و ولی نداشته باشد، بعد اجتماعی‌اش رهاست و تدین اجتماعی ندارد. (الهی زاده، ۱۳۹۷، ص ۳۱)

حاکمیت قرآن در جامعه

در جامعه آرمانی، قرآن بمعنای واقعی کلمه، حاکمیت داشته و استراتژی‌ها و سیاست‌های کلان جامعه را قرآن تأمین می‌کند و تمامی دردها را درمان می‌کند. امام علی علیه السلام سرچشمه عدل و عدالت را قرآن می‌داند و می‌فرماید:

«وَرِيَاضُ الْعَدْلِ وَغُدْرَانُهُ وَأُودِيَةُ الْحَقِّ وَغَيْطَانُهُ.» (خطبه ۱۹۸)

سرچشمه عدالت، و نهر جاری عدل است و نهرهای جاری زلال حقیقت و سرزمین‌های آن است.

حضرت قرآن را مبین و تعیین‌کننده چگونگی روابط اجتماعی و به عبارتی راه سامان بخشیدن به روابط بین مسلمانان و حتی تأمین نظم و امنیت اجتماعی معرفی می‌کند حضرت علیه السلام می‌فرماید:

«الَا إِنَّ فِيهِ عِلْمًا مَّا يَأْتِي، وَالْحَدِيثَ عَنِ الْمَاضِي، وَدَوَاءَ دَائِكُمْ، وَنَظْمَ مَا بَيْنَكُمْ»

بدانید که در آن علم آینده و سخن از گذشته و دواى درد شما و باعث نظم و سامان دهی شما هست. (خطبه ۱۵۸)

با وجود قرآن و حاکمیت آن بر جامعه، برای احدی نیازی باقی نمی ماند که برآورده نشود؛ زیرا قرآن کریم عالی ترین برنامه الهی برای زندگی موحدین است و خدای متعال عزت و رستگاری دنیا و آخرت پیروان این کتاب آسمانی را تضمین کرده است؛ بنابراین در صورتی که جامعه اسلامی ما فرامین و دستورات حیات بخش قرآن را به کار بندد، قرآن تمام نیازهای فردی و اجتماعی و مادی و معنوی جامعه را برمی آورد و جامعه اسلامی را از هر چیز و هرکس بی نیاز می کند. (مصباح یزدی، ۱۳۸۹، ص ۳۱)

با حاکمیت قرآن در جامعه، جامعه توحیدی شکل می گیرد که نتیجه اش، برپایی عدالت خواهد بود. تجلی فرهنگ توحیدی در جامعه به توسعه فرهنگ عدالت گرا می انجامد به حدی که می توان گفت هرگاه در جامعه بی عدالتی رعایت شود پیش تر از شیوع بی عدالتی، شرک و نفاق در آن رواج یافته است و موحدان از میان رفته اند یا منزوی شده اند. (عزت پور، ۱۳۹۳، ص ۳۲)

حضرت بی نیازی را در حاکمیت قرآن می داند و می فرماید:

«وَأَعْلَمُوا أَنَّهُ لَيْسَ عَلَى أَحَدٍ بَعْدَ الْقُرْآنِ مِنْ فَاقَةٍ وَلَا لِأَحَدٍ قَبْلَ الْقُرْآنِ مِنْ غِنَى، فَاسْتَشْفَوْهُ مِنْ أَدْوَانِكُمْ وَاسْتَعِينُوا بِهِ عَلَى لَاؤَائِكُمْ... فَاسْأَلُوا اللَّهَ بِهِ وَتَوَجَّهُوا إِلَيْهِ مُجِبِّهِ وَلَا تَسْأَلُوا بِهِ خَلْقَهُ، إِنَّهُ مَا تَوَجَّهَ الْعِبَادُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِمِثْلِهِ.»

آگاه باشید کسی با داشتن قرآن، نیازی ندارد و بدون قرآن بی نیاز نخواهد بود. پس درمان خود را از قرآن بخواهید و در سختی ها از قرآن یاری بطلبید پس به وسیله قرآن خواسته های خود را از خدا بخواهید و با دوستی قرآن به خدا روی آورید و به وسیله قرآن از خلق خدا چیزی نخواهید، زیرا وسیله ای برای تقرب بندگان به خدا، بهتر از قرآن وجود ندارد؛ لذا برای دستیابی به جامعه آرمانی و اسلامی، حاکمیت قرآن در جامعه نقش اصلی را ایفا می نماید و بدون حاکمیت قرآن دستیابی به جامعه مذکور میسر نخواهد بود.

با جاری و ساری شدن و حاکمیت قرآن در جامعه، تمامی نیازهای فردی و اجتماعی و مادی و معنوی جامعه برآورده شده و جامعه اسلامی بی نیاز از همه چیز و همه کس خواهد شد.

قانون مداری و تکلیف گرایی



زندگی انسان بدون حاکمیت قانون انسجام نمی‌یابد و ادامه آن با مشکل مواجه می‌گردد. حضرت علی (علیه السلام) به اجرای قانون اصرار می‌ورزیدند. می‌فرمایند: «به خدا سوگند بیت‌المال تاراج شده را هر جا بیابم آن را به بیت‌المال برمی‌گردانم هرچند مهر زنان و بهای کنیزان شده باشد زیرا در عدالت گشایش است و همه و شامل همه مردم می‌شود و کسی که عدالت بر او گران است ستم برایش گران‌تر خواهد بود.» (خطبه ۱۵) و در خطبه ۱۰۴ می‌فرمایند: به خدا سوگند درون باطل را می‌شکافم تا حق را از پهلویش بیرون کشم.

امام علی (علیه السلام) قانون‌گرایی را در تمامی عرصه‌های حیات اجتماعی، در دستور کار خویش قرارداد. آن حضرت در موارد متعددی بدون گذشت و اغماض، اما با رعایت عدل و انصاف، قانون الهی را در مورد متجاوزین به حریم قانون به اجرا گذاشته است؛ چراکه قانون حافظ امنیت و کیان جامعه می‌باشد. حضرت با جلوگیری از سوءاستفاده اطرافیان و وابستگان حاکم از امکانات عمومی، تقسیم مساوی بیت‌المال به شیوه نبی گرامی (صلی الله علیه و آله)، اسلام را دوباره احیا فرمود.

عدالت اجتماعی

از دیدگاه امام علی (علیه السلام) عدالت، روشنی دیده حکومت و مایه امنیت و رفاهت و وسیله فزونی نعمت و فراهم کننده عافیت می‌باشد. ایشان حکومت خود را در خدمت برپاداشتن عدالت قرار دادند. حضرت در خطبه ۸۷ نهج البلاغه می‌فرمایند: مگر من جامعه عافیت را با اجرای عدل به شما نپوشاندم؟ (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۷، ص ۷۹)

فؤاد جرداق مسیحی، شاعر لبنانی، امام علی (علیه السلام) و عدالتش را این‌گونه توصیف می‌کند:

هو للمظلوم فینا معتصم	هو للظالم رعد قاصف
و لارض فوقها الفقر جنم	و هو للعدل حمی قد صانه
یرفع الحیف اذا الحیف حکم	من لاوطان بها العسف طغی
	غیر نهج عادل فی حکمه

(دلشاد تهرانی، ۱۳۹۷، ص ۸۴)

عدالت در نظام اسلامی، اساس احکام و قوانین و میزان و معیار تشریح است هر نوع تصمیمی در نظام اسلامی از منطق عدل، سرچشمه می‌گیرد و قرآن کریم به همه مسلمانان دستور می‌دهد که در برپایی و تحقق عدالت اجتماعی تا می‌توانند تلاش کنند. چنان‌که می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ)؛
(قران کریم ۴: ۱۳۵)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، کاملاً قیام به عدالت کنید. برای خدا گواهی دهید اگرچه [این گواهی] به زیان خود شما یا پدر و مادر یا نزدیکان شما بوده باشد.

عدالت محوری‌ترین، استوارترین و بنیادی‌ترین مسئله سیاست و حکومت علوی و تحقق آن، مهم‌ترین علت پذیرش حکومت توسط امام علی (علیه السلام) بوده و حضرت عدالت را برتر از هر چیز و والاتر از هر امر می‌دانست و خود را وقف برپایی عدالت همه‌جانبه کرده بود. ایشان شهید راه عدالت می‌باشند. قتل فی محرابه لشده عدله (او در محراب عبادت خویش به سبب شدت عدالتش کشته شد.) (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۱۰)

حضرت، در راستای تحقق عدالت اجتماعی، بر اساس شاخصه‌ها و معیارهای مبتنی بر اسلام ناب (من جمله حکمت و مدیریت، تدبیر و تدبیر، شجاعت و قاطعیت، تقوی و تقدس، عفت و سلامتی نفس، کفایت و جامعیت و ...) کارگزارانش را در مسئولیت‌ها و مناصب مختلف سیاسی، نظامی، مالی، اداری، قضایی و... انتخاب می‌نمودند و شایسته‌سالاری یکی از ملاک‌های حضرت بود. بدین ترتیب با ایجاد نظام مدیریتی کارآمد و شایسته عدالت اجتماعی تحقق یافته و امور جامعه به بهترین شکل ممکن صورت پذیرد.

شفافیت و پاسخگویی

یکی از ویژگی‌های مهم اقتصاد سالم و شرط اساسی تحقق عدالت اقتصادی، شفافیت است و نتیجه شفافیت در جامعه تحقق عدالت می‌باشد شفافیت یعنی اینکه اطلاعات صحیح در اختیار عموم مردم قرار گیرد از منظر امام علی (علیه السلام) یکی از وظایف اساسی مسئولین، شفافیت و پاسخگویی است و اساس حکومت مردم می‌باشد از دیدگاه نهج البلاغه پنهان داشتن اطلاعات از مردم غیر از موارد سری حکومتی جایز نبوده و عدم شفافیت فساد آفرین خواهد بود.

شفاف‌سازی امور، یکی از استراتژی‌های مهم حضرت در مبارزه با فساد مالی جامعه می‌باشد.

حضرت در نامه ۵۳ نهج البلاغه به این امر مهم اشاره دارد. حضرت می‌فرمایند:

«وَإِنْ ظَنَنْتَ الرَّحِيَّةَ بِكَ حَيْفًا فَأَصْحِرْ لَهُمْ بِعَذْرِكَ، وَأَعْدِلْ عَنْكَ ظُنُومَهُمْ بِأَصْحَارِكَ»

هرگاه رعیت گمان ستمی بر تو ببرد آشکارا عذرت را به آنان ارائه کن، و به اظهار عذر گمانهای آنان را از خود بگردان.

بصیرت اجتماعی

بصیرت در همه ابعاد آن برای انسان یک ضرورت اساسی بشمار می‌رود. نیل به زندگی سالم نیازمند بصیرت فردی، اجتماعی، دینی، سیاسی و... است. در خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج البلاغه به بصیرت تأکید شده است. حضرت در خطبه ۸۲ نهج البلاغه می‌فرماید: در حلال دنیا حساب و در حرام آن عذاب است. کسی که ثروتمند گردد فریب می‌خورد و آن کس که نیازمند باشد اندوهناک است و تلاش کننده دنیا به آن نرسد و به رها کننده آن، روی آورد. کسی که با چشم بصیرت به آن بنگرد او را آگاهی بخشد و آن کس که چشم به دنیا دوزد کوردلش می‌کند. حضرت در خطبه ۱۹۷ نهج البلاغه در وفات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عموم مردم را به بصیرت امر می‌نمود:

«فَأَنْفُذُوا عَلَيَّ بِصَائِرِكُمْ» پس ای مردم با دل بینا حرکت کنید!

مجهز شدن افراد جامعه به سلاح بصیرت اهمیت فوق العاده‌ای در اداره جامعه و رسیدن به جامعه آرمانی دارد و بدون بصیرت تشخیص سره از ناسره و همچنین تشخیص بموقع فتنه‌ها میسر و ممکن نخواهد بود. افراد دارای بصیرت، بموقع تغییر موضع می‌دهند و حق را برمی‌گزینند و زمان‌شناس و جریان‌شناس هستند. حضرت علی علیه السلام در این خصوص می‌فرماید: فتنه‌ها آنگاه که روی آورند با حق شباهت دارند و چون پشت کنند حقیقت چنان که هست، نشان داده می‌شود. فتنه‌ها چون می‌آیند شناخته نمی‌شوند و چون می‌گذرند شناخته می‌شوند. فتنه‌ها چون گردبادها می‌چرخند، از همه جا عبور می‌کنند، در بعضی از شهرها، حادثه می‌آفرینند و از برخی شهرها می‌گذرند. (خطبه ۹۳)

بصیرت با تقوی الهی رابطه مستقیمی دارد. خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا (انفال ۲۹)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر تقوی پیشه کنید خداوند برای شما بصیرتی قرار می‌دهد که با نور آن حق و باطل را از هم جدا نماید.

روابط اجتماعی سالم و انسانی

یکی از مؤلفه‌ها و شاخصه‌های مهم و تأثیرگذار در جامعه آرمانی، روابط اجتماعی سالم و انسانی است. در بیشتر جوامع بشری در روابط اجتماعی، انگیزه‌های غیرانسانی حاکم بوده و ملاک بسیاری از پیوندها و دوستی‌ها، مسائل پوچ و زودگذر بوده و است و معمولاً بر اساس دستیابی به عیش و نوش و لذت و فساد است و است. حضرت علی علیه السلام در این خصوص می‌فرماید:

«وَوَآخَى النَّاسَ عَلَى الْفُجُورِ وَتَهَاجَرُوا عَلَى الدِّينِ... وَاسْتُعْمِلَتِ الْمَوَدَّةُ بِاللِّسَانِ وَتَشَاجَرَ النَّاسُ بِالْقُلُوبِ وَصَارَ الْفُسُوقُ نَسْبًا وَالْعَفَافُ حَبَابًا وَلَيْسَ الْإِسْلَامُ لُبْسَ الْقُرُومِ مَقْلُوبًا.»

مردم در شکستن قوانین خدا دست در دست هم می‌گذارند و در جدانشدن از دین متحد می‌گردند.... با زبان تظاهر به دوستی دارند اما در دل دشمن هستند، به گناه افتخار می‌کنند و از پاک‌دامنی به شگفت می‌آیند و اسلام را چون پوستینی واژگونه می‌پوشند. (خطبه ۱۰۸)

رشد معنویات در اجتماع

جامعه‌ای که در آن ذکر خدا موج می‌زند، مردم متذکر خدا هستند، جهت‌گیری، جهت‌گیری خداییست، در این جامعه، همه کار مردم، برای خدا انجام می‌گیرد.

علت دزدی‌ها، زبونی‌ها، ظلم‌ها، تن به ظلم دادن‌ها و تعدی‌هایی که انجام می‌گیرد، تماماً دوری از یاد خدا و ذکر خداست. جامعه‌ای که ذکر خدا را دارد، حاکمش مثل علی بن ابی‌طالب و محکومش مثل ابوذر غفاری است که با اینکه کتک می‌خورد، با اینکه تبعید می‌شود، با اینکه تهدید می‌شود، با اینکه غریب و بی‌کس می‌ماند، اما زیر بار ظلم نمی‌رود، از راه خدا برنمی‌گردد. این جامعه‌ای است که در آن ذکر خدا و اقامه صلوة هست. (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۴۶۳)

۴. استراتژی‌های فردی

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) برای نیل به جامعه آرمانی، استراتژی‌های فردی بسیاری داشتند که از میان آنها به دو مورد مهم اشاره می‌شود.

تقوی

یکی از موارد مهم، برای رسیدن به جامعه آرمانی، تقوی است. تقوا یعنی تلاش و مراقبت برای انجام وظیفه؛ این معنای تقواست. (بیغمی، ۱۳۹۴، ص ۸۹) تقوی در همه ابعاد (تقوی فردی، تقوی اجتماعی، تقوی سیاسی، تقوی اقتصادی و...) برای این منظور ضروری و مهم است. در چندین خطبه از خطبه‌های نهج‌البلاغه در خصوص تقوی (من جمله خطبه ۱۶، ۱۱۴، ۱۵۷، ۱۹۳، ۱۸۹ و...) سخن به میان آمده است. در خطبه ۱۱۴ حضرت تقوی را به‌عنوان حمایت‌کننده و بازدارنده انسان از محرّمات الهی معرفی می‌نماید و می‌فرماید:

عِبَادَ اللَّهِ، إِنَّ تَقْوَى اللَّهِ حِمَّتْ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ مَحَارِمَهُ وَالزَّمَتْ قُلُوبَهُمْ مَخَافَتَهُ، حَتَّى أَسْهَرَتْ لِيَالِهِمْ وَأَظْمَأَتْ هَوَاجِرَهُمْ.

بندگان خدا، تقوای الهی اولیای خدا را از محرمات بازداشت و خوف الهی دل‌هایشان را تسخیر کرد تا آنکه شب‌های آنها با بی‌خوابی برای شب‌زنده‌داری و روزهایشان با روزه‌داری سپری شد.

در خطبه ۱۵۷ حضرت تقوی را به دژی محکم و شکست‌ناپذیر و پناهگاهی بلند و مستحکم تشبیه می‌کند:

«اعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ التَّقْوَى دَانٌ حِصْنٌ عَزِيزٌ... عِبَادَ اللَّهِ، اللَّهُ اللَّهُ فِي أَعْرَافِ النَّفْسِ عَلَيْكُمْ وَأَحْبَبُهَا إِلَيْكُمْ».

ای بندگان خدا بدانید که تقوا، دژی محکم و شکست‌ناپذیر است ... ای بندگان خدا شما را به خدا مراقب نفس خود باشید که از همه چیز نزد خدا گرامی‌تر و محبوب‌تر است لا اقل به خودتان رحم کنید.

جامعه‌ای که آراسته به زیور تقوی باشد به امدادهای غیبی راه‌یافته و از سختی‌ها به آسانی عبور می‌کند و سختی‌ها را پشت سر می‌گذارد و برکات به چنین جامعه‌ای نازل می‌شود. حضرت می‌فرماید:

فَمَنْ أَخَذَ بِالتَّقْوَى عَزَبَتْ عَنْهُ الشَّدَائِدُ بَعْدَ دُنُوبِهَا وَاحْلَوْلَتْ لَهُ الْأُمُورُ بَعْدَ مَرَارَتِهَا وَأَنْفَرَجَتْ عَنْهُ الْأُمُوجُ بَعْدَ تَرَكَمِهَا وَأَسْهَلَتْ لَهُ الصَّعَابُ بَعْدَ إِصَابِهَا... فَعَبَّدُوا أَنْفُسَكُمْ لِعِبَادَتِهِ وَخَرَجُوا إِلَيْهِ مِنْ حَقِّ طَاعَتِهِ.

آن که دست‌به‌دامن تقوا بزند سختی‌ها پس از نزدیک شدن از او دور می‌گردد و امور بعد از تلخی برای او شیرین می‌شود و امواج فتنه‌ها پس از تراکم از اطراف او پراکنده می‌گردد و دشواری‌ها پس از رنجاندنش بر او آسان می‌شود ... پس وجودتان را برای عبادت او رام کنید و حق طاعتش را به جا آورید. (خطبه ۱۹۸)

در قرآن نیز آیات متعددی با محتوای تقوی من جمله آیات ۲ و ۳ سوره مبارکه طلاق وجود دارد.

وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ

حضرت در خطبه ۱۹۳ که به خطبه همام معروف است به خصوصیات و نشانه‌های انسان متقی (۱۰۴ نشانه) می‌پردازد و نقشه راه و استراتژی‌های انسان متقی برای نیل به کمالات و معنویات بیان می‌دارند. حضرت در این خطبه اوصاف انسان متقی را در روزها، شب‌ها و ... بیان می‌دارند. بدیهی است که انسان بدون تقوی در رسیدن به جامعه آرمانی دچار مشکلات اساسی خواهد بود.

یکی از شاخصه‌های فردی حضرت ساده‌زیستی بود. بسیاری از مشکلات اقتصادی و اجتماعی، با تحقق فرهنگ ساده‌زیستی در جوامع بشری رفع می‌گردد چرا که تجمل‌گرایی و چشم به هم‌چشمی می‌تواند فرد، خانواده و اجتماع بشری را با چالش‌های بسیاری مواجه نماید. امام علی علیه السلام الگوی کامل فرهنگ ساده‌زیستی بود ازدواج ساده، غذای ساده، ابزار و وسایل ساده زندگی و....

حضرت در نامه ۴۵ نهج‌البلاغه خطاب به عثمان بن حنیف انصاری (فرماندار بصره) که دعوت سرمایه‌داری از اهل بصره را پذیرفته بودند ضمن توبیخ و سرزنش فرمودند: انتظار من این است که ساده‌زیستی و پرهیزکاری را فراموش نکنی. حضرت در این نامه شیوه خود را نیز بیان نموده بودند.

«أَلَا وَإِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ أَكْفَىٰ مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمْرِنِهِ وَمِنْ طُعْمِهِ بِقُرْصِيهِ أَلَا وَإِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَىٰ ذَلِكَ وَلَكِنَّ أَعْيُنِي بَوْرِعٍ وَاجْتِهَادٍ وَعَقْفٍ وَسَدَادٍ فَوَاللَّهِ مَا كُنْتُ مِنْ دُنْيَاكُمْ تَبْرًا وَلَا أَدْخُرْتُ مِنْ غَنَائِمِهَا وَفُرَا وَلَا أَعْدَدْتُ لِإِبَالِي تُوْبِي طَمْرًا وَلَا خُرْتُ مِنْ أَرْضِهَا شِبْرًا وَلَا أَخَذْتُ مِنْهُ إِلَّا كَثُوبِ أَتَانٍ دَبْرًا»

اینک امام شما از دنیا به دو جامه فرسوده و دو قرص نان قناعت کرده است البته شما توان چنین کاری را ندارید اما باتقوا و تلاش فراوان و پاک‌دامنی و راستی مریاری دهید سوگند به خدا من از دنیای شما سیم و زرینی نیندوختم و از غنائم آن چیزی ذخیره نکردم و بر دو جامه کهنه بسنده کردم و از این زمین دنیا حتی یک وجب تصاحب نکردم و از آن جز به اندازه خوراک جاننداری زخمی (که خوراکش کم است) بر نداشتم. حضرت در این نامه ضرورت ساده‌زیستی کارگزاران را یادآوری می‌نماید هرچند ساده‌زیستی حضرت، به خاطر فقر و نداری نیست.

۲-۵. استخراج برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت

با مطالعه خطبه‌ها و نامه‌های نهج‌البلاغه، برنامه‌ها و اهداف اصلی و اساسی حضرت در پنج مورد می‌توان تقسیم‌بندی نمود:

الف) برقراری امنیت و آسایش اجتماعی و فردی

امنیت در همه ابعاد آن، انتظار نخست انسان‌ها از حکومت، سنگ زیربنای حیات فرد و جامعه و ازجمله نیازهای فردی و اجتماعی انسان به شمار می‌رود. امنیت در توسعه همه‌جانبه جامعه نقش

بسزایی داشته و احساس امنیت رشد و شکوفایی، فعالیت‌های ارزشمند جامعه را در پی خواهد داشت. امنیت معنوی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، قضایی، مرزی و... از جمله جنبه‌های امنیت می‌باشد که حضرت به آنها اشاره می‌نمایند. حضرت در خطبه ۱۳۱ نهج البلاغه که در منبر کوفه ایراد گردیده (معروف به خطبه منبریه) و حضرت به علل پذیرش حکومت و ویژگی‌های رهبر عادل پرداخته است. در این خطبه چهار هدف؛ ایجاد اصلاحات، ایجاد آبادانی و رفاه، برقراری امنیت و برپاداشتن مقررات فراموش شده از علل پذیرش حکومت بیان شده است. حضرت می‌فرماید:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافِسَةً فِي سُلْطَانٍ وَلَا أُمَامَسَ شَيْءٍ مِنْ فَضُولِ الْخَطَامِ وَ لَكِنْ لَبَّرَ دَ الْعَالَمِينَ مِنْ دِينِكَ وَ نُظْهِرَ الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ فَيَأْمَنُ الْمُظْلَمُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَ تَقَامُ الْمُعْطَلَةُ مِنْ خُدُودِكَ».

بار خدایا تو آگاهی آنچه از ما صادر شده (جنگ‌ها و زد و خوردها) نه برای میل و رغبت در سلطنت و خلافت بوده و نه برای به‌دست‌آوردن چیزی از متاع دنیا، بلکه برای این بود که (چون فتنه و فساد در شهرها شیوع یافت و ظلم و ستم بر مردم وارد گشت و حلال و حرام تغییر کرد خواستیم) آثار دین ترا (که تغییر یافته بود) بازگردانیم و در شهرهای تو اصلاح و آسایش را برقرار نماییم تا بندگان ستم‌کشیده‌ات در امن و آسودگی بوده و احکام تو که ضایع مانده جاری گردد.

ب) ایجاد آبادانی و تأمین رفاه عمومی

یکی از وظایف اصلی حکومت اسلامی ایجاد آبادانی و به‌تبع آن تأمین و ارتقاء رفاه عمومی و اقتصادی جامعه است. حضرت علی علیه السلام در قسمتی از خطبه ۹۱ که به خطبه اشباح معروف است هدف از هبوط آدم علیه السلام به زمین را «عمران و آبادانی» و «اتمام حجت» اعلام می‌نماید. حضرت می‌فرماید:

فَأَهْبَطَهُ بَعْدَ التَّوْبَةِ لِيُعْمَرَ أَرْضَهُ بِسَلْبِهِ، وَيُقِيمَ الْحُجَّةَ بِهِ عَلَى عِبَادِهِ.

از دیدگاه مولی‌الموحدين علی علیه السلام، نتیجه مجموع سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های حکومت باید رفاه عمومی و آسایش آحاد افراد جامعه باشد به عبارتی دیگر از اولویت‌های حکومت علوی و یکی از عوامل پذیرش حکومت توسط حضرت، ایجاد آبادانی و تأمین رفاه عمومی جامعه بوده است. حضرت می‌فرماید:

حَتَّى يَسْتَرْجِحَ بَرُّهُ وَيَسْتَرَاحَ مِنْ فَاجِرٍ

نیکوکار بیاساید و از شر بدکار آسوده ماند. (خطبه ۴۰)

امام علی (علیه السلام) در حیطة حکومت خود حداقل نیاز معیشتی همگان را تأمین کرد و در راه فقرزدایی و تأمین معیشتی گام‌هایی جدی برداشت چنان‌که خود فرمود: کسی در کوفه نیست که در رفاه به سر نبرد، حتی پایین‌ترین افراد نان گندم می‌خورند و سرپناه دارند و از آب فرات می‌آشامند. (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۷) و این رفاه عمومی بالتبع در سایه برنامه‌ریزی و استراتژی‌های مولی‌الموحدین (علیه السلام) در این خصوص می‌باشد. تعدادی از استراتژی‌های حضرت عبارت‌اند از: تقسیم عادلانه بیت‌المال و جلوگیری از تبعیض و سوءاستفاده‌های اجتماعی

ج) ایجاد اصلاحات

ایجاد اصلاحات در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و سایر جنبه‌های بنیادی جامعه از اهداف اصلی حکومت‌ها و نهضت‌ها می‌باشد. حضرت علی (علیه السلام) به امر اصلاحات اهتمام ویژه‌ای داشتند و در خطبه ۲۱۶ نهج‌البلاغه، ضمن تأکید بر اصلاح نظام سیاسی آن را مهم‌ترین بخش اصلاحات اجتماعی قلمداد می‌کند و تا زمانی که نظام سیاسی رو به اصلاح نگردد توقع اصلاحات در سایر بخش‌ها امری بیهوده خواهد بود. مسلم است که اصلاحات می‌بایستی خدا محور و دین محور بوده و به‌صورت عاقلانه و کارشناسی شده باشد. بر اساس این خطبه، اصلاح مردم متوقف بر اصلاح حاکمان است و اصلاح حاکمان زمانی ممکن و میسر خواهد بود که مردم بیدار و آگاه شوند. بعلاوه روابط میان مردم و حاکمان باید اصلاح گردد.

د) تحقق عدالت

در سایه عدالت، آرامش و راحتی و امنیت فراهم می‌شود. عدالت در اندیشه سیاسی امیرمؤمنان (علیه السلام) در مفهومی عمیق و همه‌جانبه به معنای قرارداد هر چیز در جای خود، رعایت استحقاق هر چیز و رساندن هر ذی‌حقی به‌حقوقش آمده است چنانچه آن حضرت فرموده است:

«العدل یضع الامور مواضعها».

تحقق عدالت هم در گفتار و هم در سیره علی (علیه السلام) حتی در نگاه کردن و ... مشهود بوده است. حضرت می‌فرماید:

وَأَسْبَغُ فِيهِمُ فِي الْحُظَّةِ وَالنَّظْرَةِ وَالْإِسَارَةِ وَالنَّحْمَةِ، حَتَّى لَا يَطْمَعَ الْعُظْمَاءُ فِي حَيْفِكَ وَلَا يَأْسُ الضُّعَفَاءُ مِنْ عَدْلِكَ؛ وَالسَّلَام.



با مردم گشاده روی و فروتن باش، و در نگاه و اشاره چشم، در سلام کردن و اشاره کردن با همگان یکسان باش، تا زورمندان در ستم تو طمع نکنند، و ناتوانان از عدالت تو مأیوس نگردند. با درود. (نامه ۶۶)

و در یک نگاه، اهداف بلندمدت حضرت، انسان‌سازی و هدایت انسان به قرب الهی است و مدیریت بر مبنای قوانین الهی، حاکمیت دادن شایستگان، ارتباط بهینه با دیگر حکومت‌ها، اجرای عدالت همه‌جانبه، تأمین نیازمندی‌ها و گسترش رفاه عمومی، ترویج و توسعه اندیشه‌های ناب دینی و گسترش مرزهای دانش در میان مردم، افزایش توان اقتصادی شهروندان، آبادسازی و عمران کشور، توسعه و ترویج تجارت صنعت و زراعت، تأمین امنیت عمومی، کشف توطئه‌ها و پیشگیری از وقوع آن‌ها و مدیریت بحران‌های اجتماعی سیاسی از جمله اهداف کوتاه‌مدت و میان‌مدت حضرت می‌باشد.

۲-۶. تدوین عناوین برنامه‌ها، طرح‌ها (جهت ارا):

در بخش ۲-۴ به صورت مفصل گذشت.

۲-۷. ارائه برنامه اجرایی (عملی) و شاخص‌های فعالیت برای ارزیابی نتایج اجرا:

ارزیابی و کنترل و اصلاح یکی از مهم‌ترین مواردی است که رهبر جامعه آرمانی به آن توجه می‌کند و بر فعالیت‌ها و وضعیت خویش به طور مستمر، نظارت و ارزیابی می‌کند و در حقیقت ساختاری برای برنامه‌ریزی استراتژیک، تجزیه و تحلیل نیازها، طراحی برنامه‌ها، تعیین اهداف کوچک و بزرگ، ارزیابی و... به وجود می‌آورد.

جدول ۱. مقایسه جامعه آرمانی و اسلامی با جامعه غیراسلامی

ردیف	شاخص	جامعه آرمانی	جامعه غیر آرمانی	خطبه
۱	حاکمیت بر جامعه	قانون	سلايق و برداشت‌های شخصی	۱۵ و ۱۰۴
۲	ارتباطات و امتیازات	بر اساس ضوابط	بر اساس روابط	۱۵ و ۱۰۴
۳	هدف و وسیله	هدف، وسیله را توجیه نمی‌کند	هدف، وسیله را توجیه می‌کند	۵۱
۴	ملاک عمل	تقوی	پست، مقام و...	۱۵۷
۵	زندگی	ساده‌زیستی	تجمل‌گرایی	نامه ۴۵

۶	احاد مردم	بیدار و آگاه و آشنا به قران	ناآگاه	نامه ۴۷
۷	اساس روابط اجتماعی	انگیزه‌های انسانی	انگیزه‌های غیرانسانی	۱۰۸
۸	مردم و بصیرت اجتماعی	دارند	ندارند	۹۳
۹	حاکم جامعه	شایسته‌ترین افراد	---	۱۷۳ و ۱۵۷
۱۰	ولایت‌پذیری	دارد	---	۱۵۴
۱۱	اداره جامعه	اعتدال	یا افراط و یا تفریط	۵
۱۲	حاکمیت	قران و سنت	فردمحوری	۱۵۸
۱۳	شفافیت و پاسخگویی	دارد	ندارد	ن ۵۳
۱۴	نوع حکومت	مردم‌سالاری دینی	---	

در مدت حدود ۲۵ ساله حکومت جور و ستم خلفای سه‌گانه جامعه از مسیر اصلی خود فاصله گرفته بود و انحرافات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... به وجود آمده و نهادینه شده بود لذا اهم آنچه که حضرت علی (علیه السلام) را برای تبدیل جامعه به جامعه آرمانی - اسلامی تهدید می‌نمود عبارتند از: برقراری عدالت خصوصاً عدالت اقتصادی: همان‌طور که قبلاً هم بیان شد بدعت‌ها و انحرافات بسیاری توسط سه خلیفه در جامعه جاری شده بود. من جمله اینکه افرادی از صحابه که زودتر اسلام آورده بودند سهم بیشتری می‌گرفتند.

تعارضات نژادی و قبیله‌ای: یکی از مشکلات عمده‌ای که در زمان تشکیل حکومت امام علی وجود داشت این بود که جامعه آن زمان برتری عرب بر عجم و... را به‌عنوان اصل مسلمی فرض کرده بودند و رعایت تساوی در میان عرب و عجم، امری نبود که برای عرب قابل تحمل باشد. انحرافات و شبهات دینی: علاوه بر بدعت‌ها، باتوجه‌به اینکه بسیاری از مردم آگاهی درستی از دین نداشتند و اقدامی در خصوص آگاهی‌های مذهبی صورت نپذیرفته بود، کار امام بیش از پیش سخت‌تر می‌شد.

فساد اجتماعی: یکی دیگر از تهدیدها و مشکلات امام، فساد اجتماعی بود. جامعه‌ای که گرفتار فتنه و فساد شد، به‌سادگی نمی‌تواند خود را به تعادل اخلاقی برساند. حضرت در خطبه ۱۹۲ نهج البلاغه می‌فرماید: «بدانید که شما پس از هجرت و ادب آموختن از شریعت به خوی باد نشینی بازگشتید و پس

از پیوند دوستی، دسته‌دسته شدید. با اسلام جز به نام آن بستگی ندارید و از ایمان جز نشان آن را نمی‌شناسید... بدانید که شما رشته پیوند با اسلام را گسستید و حدود آن را شکستید و احکام آن را به کار ن بستید.» (حدادپورجهرمی، ۱۳۹۶، ص ۹۳)

حزب اموی به سرکردگی معاویه: باتوجه به اینکه بنی‌امیه قدرت نظامی و اقتصادی زیادی داشتند. باتوجه به مسائل و مشکلات ذکر شده حضرت می‌بایستی به اصلاحاتی دست می‌زدند که اهم اصلاحات حضرت به شرح ذیل می‌باشد.

احیای سیره و سنت نبوی: حضرت علی (علیه السلام) در همان سخنرانی اول خویش، با اشاره به اینکه ایشان تنها به سیره نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) عمل خواهند نمود و فضل و برتری مهاجر و انصار بر دیگران، برتری معنوی است و در تقسیم بیت‌المال کسی بر کسی مزیتی ندارد فرمودند: مبادا کسی فردا بگوید: حرمنای بنی‌طالب (علیه السلام) حقوقنا علی ابن ابی‌طالب (علیه السلام) ما را از حقوقمان محروم کرد. (شیخ طوسی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۷۸۹)

اصلاحات فرهنگی: مهم‌ترین اصلاحات فرهنگی حضرت، تبلیغ و معرفی اسلام ناب محمدی و تربیت شاگردان شایسته بود.

اصلاحات حقوقی: خلفای سه‌گانه، قریش را بر دیگر عرب‌ها و عرب‌ها را بر عجم‌ها مقدم داشته بودند؛ لذا امیرالمؤمنین (علیه السلام) همه امتیازات موهوم را لغو نمودند.

اصلاحات مالی: مصادره ثروت‌های حرام و جلوگیری از حیف و میل بیت‌المال از جمله اصلاحات مالی ایشان بود.

اصلاحات نظام مدیریتی یا اداری: از دیدگاه امام علی (علیه السلام) بدون اصلاح مدیریت جامعه، اصلاح توده مردم، کار بسیار مشکلی است لذا امام والیانی را که شایستگی لازم را نداشتند عزل و افراد مؤمن و شایسته را به پست‌ها و جایگاه‌های سیاسی منصوب نمودند. با تأمل در نهج البلاغه برخی از شاخصه‌های مدیر و حکمران جامعه اسلامی عبارت‌اند از: خدمتگزار بودن، دوری از نیرنگ و خدعه، دوری از تشریفات، تعهد و تخصص و حکومت بر قلمرو فکری

۳. نتیجه‌گیری

۱- دستیابی به جامعه آرمانی بدون برنامه‌ریزی و بدون داشتن برنامه‌ای مرتب و منظم و بر اساس استراتژی تعیینی توسط ائمه معصومین (علیهم‌السلام) مقدور نمی‌باشد. بادقت در تعالیم دینی معلوم می‌شود که دین مبین اسلام برای لحظه‌لحظه زندگی انسان برنامه دارد؛ لذا لازم است انسان برای موفقیت و بهره‌مندی از زندگی سالم و نیل به جامعه آرمانی، برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت تدوین نماید که این برنامه‌ها می‌بایستی منطبق با دین مبین اسلام باشد چراکه پیشرفت‌های شگرف علمی بشر در مقابل مجهولاتش قطره‌ای در مقابل دریاست و همه ادعاهای مکاتب اخلاقی غیر الهی در ارائه الگوی جامعه آرمانی، در مقابل علوم اهل‌بیت عصمت و طهارت که از الهامات الهی سرچشمه می‌گیرد قابل‌مقایسه نمی‌باشد؛ لذا برای نیل به جامعه مذکور می‌بایستی قرآن و سیره اهل‌بیت عصمت و طهارت به معنای واقعی کلمه حاکم شود و مسئولین و مردم با آگاهی لازم و بصیرت دینی به وظایف خویش در قبال رسیدن به چنین جامعه‌ای عمل نمایند.

۲- یکی از عواملی که نقشی بسیار والا در نیل به جامعه آرمانی را داراست مسئله ولایت می‌باشد رابطه ولایت با جامعه به‌مثابه رابطه جان با بدن است. ولی‌امر در جامعه به جامعه حیات می‌بخشد امت را از تاریکی‌های جهالت می‌رهاند و به اوج کمال و ترقی می‌رساند. امت نیز با فراهم ساختن زمینه برای اعمال ولایت امام ایفای نقش می‌کند. اگر مسئولین نظام مقدس جمهوری اسلامی به منویات مقام معظم رهبری توجه نموده و به آنها جامعه عمل ببوشانند قدم‌های والایی در نیل به جامعه آرمانی برداشته شده است.

۲- توجه و اهتمام توأمان به بعد مادی و معنوی جامعه ضرورت داشته و بعد مادی درحقیقت پله‌ای برای صعود به تکامل و رستگاری و رسیدن به قرب الهی می‌باشد لذا بهترین و نزدیک‌ترین و مطمئن‌ترین راه برای رفع مشکلات فردی و اجتماعی، برگشتن به در خانه خداست؛ زیرا برگزیدن راه خدا علاوه بر این که سعادت ابدی و اخروی ما را تأمین می‌کند مشکلات و تنگناهای زندگی دنیوی را نیز برطرف می‌سازد.

۳- دستیابی به جامعه آرمانی بدون جاری شدن قرآن در جامعه امکان‌پذیر نبوده و مقدمه این امر، انس با قرآن و آشنایی آحاد جامعه با قرآن می‌باشد.

۴- مردم‌سالاری دینی تنها در جامعه آرمانی تحقق می‌یابد و یکی از مؤلفه‌های چنین جامعه‌ای شفافیت امور و پاسخگویی می‌باشد.



منابع

. قرآن کریم.

. نهج البلاغه، ۱۳۹۶ ش، ترجمه: ابوالفضل بهرام‌پور، قم: آوای قرآن.

۱. الهی زاده، محمدحسین، ۱۳۹۷ ش، درس‌نامه تربیت سیاسی، چاپ اول، مشهد: تدبر در قرآن و سیره
۲. بیغمی، داود، ۱۳۹۴ ش، قرآن از دیدگاه حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری، تبریز: انتشارات سوار آفتاب.
۳. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷ ش، جامعه در قرآن، قم: نشر اسراء.
۴. حداد پور جهرمی، محمدرضا، ۱۳۹۶ ش، ماقبل‌الشیاده، چاپ اول، جهرم: نشر مصلی.
۵. حسینی خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۸۴ ش، دولت و فرهنگ دینی بر اساس دیدگاه مقام معظم رهبری، تهران: نشر عرش پژوه.
۶. حسینی خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۲ ش، فورات حیات، چاپ ششم، قم: دفتر نشر معارف.
۷. حسینی خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۷ ش، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، صهبا، تهران: نشر مؤسسه ایمان جهادی
۸. حسینی، سیدسعید، ۱۳۸۸ ش، آینده بشریت از دیدگاه شهید مطهری، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۹. دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۸۵ ش، تفسیر موضوعی نهج البلاغه، چاپ هشتم، تهران: دفتر نشر معارف.
۱۰. دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۹۷ ش، حکمرانی حکیمانه حکومت امام علی (علیه السلام)، حکومت موفق تاریخ، تهران: انتشارات دریا.
۱۱. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷ ش، لغتنامه دهخدا، جلد ۵، تهران: روزنه.
۱۲. رجبی، محمود، ۱۳۸۷ ش، تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران: سازمان سمت.
۱۳. رزم‌جو، حسین، ۱۳۶۹ ش، شعر کهن فارسی در ترازوی نقد اخلاق اسلامی، جلد دوم، مشهد: انتشارات آستان قدس.
۱۴. زورق، محمدحسن، ۱۳۹۰ ش، دو حرکت در تاریخ، جلد اول، چاپ اول، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۱۵. طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۸۵ ش، *امالی شیخ طوسی*، مترجم: حسن زاده صادق، ج ۲، تهران: انتشارات اندیشه هادی.
۱۶. عزت پور، علی اصغر، ۱۳۹۳ ش، *مدیریت اسلامی در پرتو نهج البلاغه*، چاپ اول، تهران: انتشارات بنیاد نهج البلاغه.
۱۷. محمدیان، محمد، ۱۳۹۸ ش، *جاودانه تاریخ*، چاپ اول، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۱۸. محمودی، عبدالحسین، ۱۳۹۷ ش، *شاخص مردم‌سالاری دینی از نگاه امام علی (علیه السلام)*، چاپ اول، مازندران: موج اندیشه.
۱۹. مریجی، شمس الله، ۱۳۸۶ ش، *تبیین جامعه‌شناختی واقعه کربلا*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۰. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۹ ش، *قرآن در آئینه نهج البلاغه*، نگارش: احمد محمدی، چاپ سوم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۱. مطهری، رضا، ۱۳۹۵ ش، *بینش، ابعاد، ابزارها و موانع نفوذ دشمن از دیدگاه رهبر معظم انقلاب*، چاپ پنجم، تبریز: انتشارات عاصم.
۲۲. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۳ ش، *بیست گفتار*، چاپ نهم، تهران: صدرا.
۲۳. معرفت، محمدهادی، ۱۳۷۸ ش، *جامعه مدنی*، قم: التمهید.
۲۴. معلوف، لوئیس، ۱۳۸۶ ش، *ترجمه فرهنگ المنجد*، جلد اول، مترجم: بوستانی، قاسم، تهران: الوفاء.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۱ ش، *پیام امام امیرالمؤمنین (علیه السلام)*، با همکاری جمعی از فضلا و دانشمندان، جلد دوم، چاپ دوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.